

حقوق تجارت

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

کارشناسی ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت،
مشاوران حقوقی، سردفتری اسناد رسمی

درس – نکته

مولفین: مجتبی نعمت الهی

الهه جمشیدی

ویراست پنجم



حقوق تجارت

مجتبی نعمت الهی - الهه جمشیدی

نظارت : مهندس شهرام کرمی و مهندس علی اکبر نکوفر
مسئول فنی : لیلا بعاج زاده
طرح جلد : مریم مظفری

آدرس : شیراز - مؤسسه آموزش عالی آزاد فاضل
تلفن : ۰۷۱-۳۲۳۵۳۰۱۶ / ۰۷۱-۳۲۳۵۹۹۰۲

دانشجوی گرامی

حضور در کلاسهای موسسه آموزش عالی فاضل بدلیل حل مسائل متنوع ، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد ، قرار گرفتن در جو کنکور ، ایجاد انگیزه رقابت ، رفع اشکالات دانشجو و آزمونهای کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می شوید انتخابی است که نمی توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد .

شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه آموزش عالی فاضل به شما این امکان را می دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

قدردانی و سپاس:

با تشکر فراوان از زحمات سرکار خانم فاطمه جوانمردی (رتبه ۲ اختیار کانون وکلای دادگستری فارس در سال ۹۱) و سرکار خانم سارا سلیمی (کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه تهران و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز) که در بازبینی و ویرایش این کتاب زحمات زیادی کشیدند.

پیش‌گفتار:

حقوق تجارت از جمله دروسی است که به دلیل پراکندگی مواد قانونی و خلط دو قانون مصوب ۱۳۱۱ و لایحه ۱۳۴۷ در خصوص شرکت‌های سهامی، بعضاً برای دانشجویان ایجاد سردرگمی می‌کند. در این کتاب سعی گردیده با کنار هم گذاشتن قوانین مربوط و توضیح مباحث آن به زبان ساده، فهم حقوق تجارت را آسان سازد.

در این کتاب علاوه بر توضیح مطالب به زبان ساده و قابل فهم در قالب مثال و نمودار، مواد مربوط به هر بحث نیز آمده است. علاوه بر قانون تجارت و لایحه اصلاحی در خصوص شرکت‌های سهامی، به مواد قانون صدور چک و قانون اداره تصفیه در امور ورشکستگی نیز به طور تفصیلی پرداخته شده است.

فهرست مطالب

تجارت ۱:

۲.....	تجار و معاملات تجاری
۳.....	تعریف تاجر
۶.....	اعمال تجاری
۲۰.....	تکالیف تجار
۲۳.....	انواع دفاتر
۳۰.....	دلالی
۳۸.....	حق العمل کاری
۴۶.....	قرارداد حمل و نقل
۵۲.....	قائم مقام تجاری
۵۴.....	ضمانت

تجارت ۲:

۵۹.....	شرکت ها
۶۰.....	کلیات
۷۵.....	شرکت های سهامی
۸۵.....	تعریف سهم
۹۳.....	اوراق قرضه
۹۶.....	اوراق مشارکت
۹۸.....	ارکان شرکت های سهامی
۱۱۷.....	تغییرات سرمایه
۱۲۲.....	انحلال شرکت های سهامی
۱۲۸.....	شرکت با مسئولیت محدود

- شرکت تضامنی و شرکت نسبی..... ۱۳۵
- شرکت مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی..... ۱۴۰
- بررسی تطبیقی شرکت ها..... ۱۴۶

تجارت ۳:

- اسناد تجاری..... ۱۸۶
- کلیات ۱۸۷
- مقایسه برات، سفته، چک، از منظرهای گوناگون..... ۱۹۵
- ظاهر نویسی در اسناد تجاری..... ۱۹۸
- نکات مربوط به اصلاح قانون چک..... ۲۰۶

تجارت ۴:

- ورشکستگی..... ۲۱۹
- تعریف ورشکستگی..... ۲۲۰
- انواع ورشکستگی..... ۲۲۰
- اوصاف حکم ورشکستگی..... ۲۲۶
- آثار حکم ورشکستگی..... ۲۲۷
- فرایند جریان ورشکستگی..... ۲۳۲
- قرارداد ارفاقی..... ۲۳۹
- اعاده اعتبار..... ۲۴۶
- نکات مهم قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی..... ۲۴۷

..... حقوق تجارت

در حقوق تجارت ابتدا تاجر و سپس اعمال تجارتي وی بررسی می گردد. تاجر یا شخص حقیقی است یا حقوقی. تاجر حقیقی در حقوق تجارت یک و تاجر حقوقی در حقوق تجارت دو تحت عنوان شرکت های تجاری مطالعه می شود. وسیله مبادلاتی و اعتباری تاجر استفاده از اسناد تجارتي است که در حقوق تجارت سه مطالعه می گردد. در نهایت اگر تاجر نتواند به حیات تجاری خویش ادامه دهد وارد مرحله ورشکستگی خواهد شد که مطالب راجع به آن در حقوق تجارت چهار بررسی می شود. جدول زیر به صورت تطبیقی مطالب فوق را توضیح می دهد.

تاجر

شخص حقیقی :	شخص حقوقی :	اسناد تجاری:	ورشکستگی:
مواد ۱۹-۱ ق . ت مواد ۵-۴ شناسایی تاجر ماده ۲ : دلالی ← ۳۳۵-۳۳۵ حق العمل کاری ← ۳۷۶- ۳۵۷ قرارداد حمل و نقل ← ۳۹۴- ۳۷۷ قائم مقام تجارتي ← ۴۰۱-۳۹۵ ضمانت ← ۴۱۱-۴۰۲ مواد ۱۹-۶ ← تکالیف تاجر: داشتن دفاتر تجارتي ← مواد ۱۵-۶ ثبت نام در دفتر تجارتي ← مواد ۱۹-۱۶	م ۲۰ ق . ت ← اقسام شرکت م ۹۴ تا ۲۲۲ ق . ت م ۱ تا ۳۰۰ لایحه مصوب ۴۷ ۱- شرکت سهامی عام و خاص ← ۳۰۰-۱ لایحه ۲- شرکت با مسئولیت محدود ← ۱۱۵-۹۴ ق . ت ت ۳- شرکت تضامنی ← ۱۴۰-۱۱۶ ق . ت ۴- شرکت مختلط غیرسهامی ← ۱۶۱-۱۴۱ ق.ت ۵- شرکت مختلط سهامی ← ۱۸۲-۱۶۲ ق.ت ۶- شرکت نسبی ← ۱۸۹-۱۸۳ ق . ت ۷- شرکت تعاونی ← ۱۹۴-۱۹۰ ق . ت	۱- برات ۲۲۳-۳۰۶ ۲- سفته ۳۰۷-۳۰۹ ۳- چک ۳۱۰-۳۱۷	مواد ۵۷۵-۴۱۲
+ قانون راجع به دلان مصوب ۱۳۱۷	+ شرکت تعاونی سهامی عام بر اساس قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ ق . ا . منابع شرکت تعاونی : ۱- ق . ت مصوب ۱۳۱۱ ۲- ق . شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ ۳- ق بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ ۴- اصلاحات ق بخش تعاون مصوب ۱۳۹۳	+ قانون صدور چک	+ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

تجارت ۱

تاجر و معاملات تجارتي

مواد ۱ تا ۱۹ ق.ت.

۳۳۵ تا ۴۱۱ ق.ت.

تعریف تاجر: طبق ماده یک قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

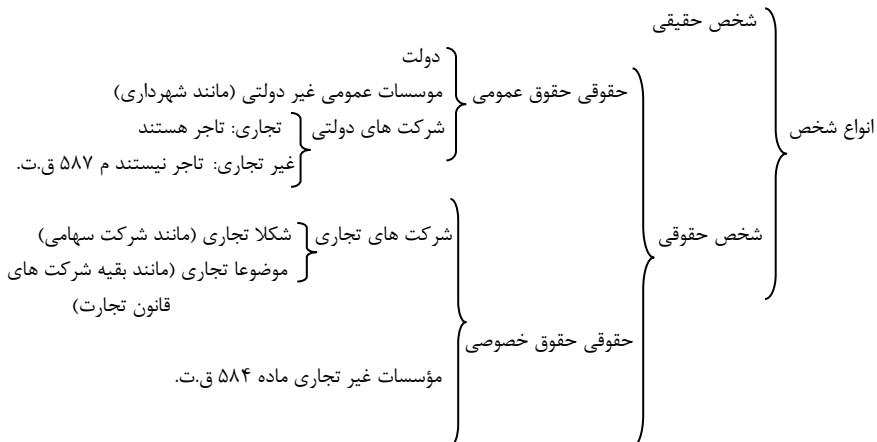
توضیحاتی راجع به تعریف فوق:

۱- واژه "کسی":

بنظر می رسد بهتر بود قانونگذار به جای واژه «کسی» از واژه «شخصی» استفاده می کرد زیرا تجار اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی هستند و زمانیکه از واژه «کسی» استفاده می شود فقط تجار حقیقی به ذهن متبادر می گردد. به عنوان مثال، شرکت های تجاری به عنوان اشخاص حقوقی تجارت می کنند.

انواع اشخاص:

- حقیقی: عبارت است از افراد انسانی
- حقوقی: عبارت است از مجموعه ای از افراد یا توده ای از اموال که قانونگذار برای این مجموعه شخصیت حقوقی مستقلی از اجزای آن در نظر گرفته باشد. مانند شرکت های تجاری- مال موقوفه و غیره



نکته: شرکت های دولتی غیر تجاری موضوع ماده ۵۸۷ ق.ت، به محض ایجاد و بدون نیاز به ثبت دارای شخصیت حقوقی هستند، اما مؤسسات غیر تجاری موضوع ماده ۵۸۴ ق.ت. فقط با ثبت شخصیت حقوقی پیدا می کنند.

نکته: طبق ماده ۵۸۸ ق.ت اشخاص حقوقی برای انجام معامله یا تجارت دارای اهلیت و صلاحیت عام هستند یعنی اصولا هر اقدامی که اشخاص حقیقی می توانند انجام دهند اشخاص حقوقی نیز قادر به انجام آن هستند جز در مواردی که قانونگذار آنها را منع کرده باشد.

این ممنوعیت ها عبارتند از:

الف) حقوق و تکالیفی که قانونگذار فقط برای اشخاص حقیقی در نظر گرفته باشد: مانند حق ولایت-قیومت- حضانت و غیره.

ب) محدودیت های شرکت طبق اساسنامه؛ بدین نحو که شرکت ها فقط اعمالی می توانند انجام دهند که جزء موضوع فعالیتشان در اساسنامه درج شده باشد، بنابراین شرکتی که طبق اساسنامه اش در کار صادرات فرش ایرانی است نمی تواند در زمینه خرید و فروش قطعات کامپیوتری فعالیت کند.

ج) محدودیت انجام معامله حد فاصل انحلال شرکت تا ختم تصفیه: با انحلال شرکت شخصیت حقوقی آن از بین نمی رود و تا زمان تصفیه پا برجا می ماند، منتها در این مدت شرکت فقط معاملاتی را می تواند انجام دهد که مفید به حال تصفیه باشد، بطور مثال یک شرکت فروش قطعات کامپیوتری بعد از انحلال دیگر نمی تواند سفارش جدید بگیرد اما اگر قطعاتی در انبار خود داشته باشد می تواند آنها را بفروشد زیرا تبدیل این اموال به وجه نقد کار تصفیه را راحت تر می سازد.

۲- عبارت "شغل معمولی":

۱-۲- **شغل**: هر فعالیت مستمر به منظور کسب درآمد است اعم از این که اصلی باشد یا فرعی، همین که یکی از این مشاغل تجارتي باشد شخص تاجر محسوب می شود. به عبارت دیگر منظور از «شغل» یک فعالیت موقت یا دائمی است که برای شاغل آن منشأ درآمد یا فایده مادی باشد.

۲-۲- **شغل معمولی**: شغل یا اصلی است یا فرعی، لیکن زمانی شغل معمولی خواهد بود که هدف از آن امرار معاش باشد. طبق تعریف فوق هر یک از این مشاغل تجاری باشد برای تاجرشناختن شخص کافی است.

مثال: شخصی استاد دانشگاه است، عصر در مطب خود طبابت می کند، وی همچنین دارای یک موسسه خیریه است، به علاوه یک داروخانه نیز دارد، در بین تمام مشاغل این شخص، داروخانه داشتن، شخص را تاجر می کند حتی اگر شغل فرعی او باشد.

نکته: معامله تجاری زمانی شغل معمولی تاجر محسوب می شود که آن را بصورت مستمر انجام دهد چه به صورت شغل اصلی باشد چه به صورت شغل فرعی؛ رکن مهم **استمرار** است.

استثنا فقط در خصوص یک دسته از تجار وصف استمرار لازم نیست و آن هم شرکت های سهامی هستند اعم از عام و خاص، زیرا طبق ماده ۲ لایحه اصلاحی ق.ت این شرکت ها در هر حال تاجرند حتی اگر فعالیت تجاری انجام ندهد چه برسد به اینکه در انجام آن استمرار داشته باشند.

اقسام شرکت های تجاری

- شرکت های شکلا تجاری
- شرکت های موضوعا تجاری

تفاوت حراجی با مزایده: در این است که در مزایده بر خلاف حراجی یک قیمت پایه توسط کارشناس رسمی تعیین می شود و نباید به کمتر از آن قیمت فروخت. مناقصه: انجام اعمال و خدمات با قیمت پایین است.

به عنوان مثال، یک اداره دولتی برای تهیه غذای پرسنل خود آگهی مناقصه منتشر می کند و از تمامی رستوران داران و آشپزخانه هایی که می توانند غذای مناسب تری با قیمت پایین و کیفیت بهتر ارائه کنند، دعوت به مشارکت می کند. اداره دولتی پیشنهادات را بررسی نموده و برنده مناقصه را اعلام می نماید.

چند نکته:

- ۱- حراجی یعنی به معرض فروش گذاشتن یک سری اموال به بالاترین قیمت پیشنهادی
 - ۲- حراجی زمانی عمل تجاری است و فاعل آن را تاجر می کند که در قالب تصدی گری انجام شود.
 - ۳- متصدی حراجی زمانی تاجر است که اموال به معرض حراج گذاشته شده متعلق به خودش نباشد.
 - ۴- در حراجی برخلاف مزایده قیمت پایه توسط کارشناس تعیین نمی شود.
- بند ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی:**

نمایشگاه محلی است در آن حاصل فعالیت دیگران به نمایش گذاشته می شود. مانند: سینما، نمایشگاه کتاب. صرف به نمایش گذاشتن محصولات کافی است و فروش در آن موضوعیتی ندارد ممکن است فروش صورت بگیرد ممکن است صورت نگیرد.

چند نکته:

- ۱- نمایشگاه محلی است که آثار متعلق به دیگران به معرض نمایش گذاشته می شود مانند آثار تولیدی- صنعتی- تجاری- هنری و غیره اعم از اینکه فروش انجام بشود یا نشود.
 - ۲- این فعالیت زمانی تجاری است که در قالب تصدی گری انجام شود.
 - ۳- متصدی نمایشگاه زمانی تاجر است که آثار به معرض نمایش گذاشته شده متعلق به خودش نباشد.
 - ۴- برخی مصادیق نمایشگاه عبارتند از: سینما- تئاتر- سیرک- نمایشگاه کتاب و غیره
- بند ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی:**

صرافی: تبدیل پول یک کشور به پول کشوری دیگر، صرفنظر از این که دولت انجام دهد یا شخص خصوصی اعم از حقیقی یا حقوقی، عمل تجاری است.

عملیات بانکی: مانند افتتاح حساب، صدور دسته چک، ...

نکته: موسسات مالی و اعتباری، از آن جایی که عملیات بانکی انجام می دهند تاجر هستند. اما صندوق های قرض الحسنه که زیر نظر بانک مرکزی نیستند، اعمالشان تجاری نیست. بنابراین برای این که تاجر تلقی شوند یا باید در قالب شرکت سهامی باشند و یا موضوع فعالیت خود را یکی از اعمال تجاری ذاتی قرار دهند.

بند ۸- معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد:

منظور از معاملات برواتی ⇐ عملیات بر روی خود برات است مانند: صدور، ظهر نویسی، قبولی، تنزیل، ضمانت. معامله برواتی اعم از این که توسط تاجر صورت گیرد یا غیر تاجر عمل تجارتی است. مثال: شخصی اتومبیلی را به واسطه عقد بیع خریداری نموده است و بابت پرداخت ثمن آن براتی صادر کرده است. در اینجا دو معامله صورت گرفته است:

۱- معامله اصلی (تعهد منشا): همان معامله بیع است. یعنی همان رابطه ی حقوقی که به خاطر آن سند تجارتی صادر شده است. اصولاً عمل تجارتی نیست.

۲- معامله براتی (تعهد براتی): صادره کننده سند تجاری اصولاً به خاطر دینی که به دیگری دارد اقدام به صدور سند تجاری می کند. با صدور سند تجاری، تعهدی بر عهده ی صادره کننده به وجود می آید به نام تعهد برواتی. عمل تجارتی است.

نکته: معاملات برواتی باید به صورت حرفه ای انجام گیرد تا شخص تاجر باشد اما عمل هر شخصی بر روی برات یک عمل تجارتی است نه این که او تاجر محسوب شود، پس اگر غیر تاجری براتی صادر کند تاجر نمی شود بلکه عمل وی یک عمل تجارتی است.

نکته: در مورد صدور سفته اختلاف نظر است. طبق رویه قضایی این عمل تجارتی نیست اما اگر سفته بین تاجر و برای امور تجارتی باشد یک عمل تجارتی تبعی است. همین نظر در مورد چک نیز وجود دارد.

منظور از معاملات برواتی در ماده ۲ قانون تجارت کدام یک از موارد زیر است؟ (آزاد ۹۰)

- (۱) صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی برات.
 - (۲) هر قراردادی که برای ایفای تعهد پولی ناشی از آن، برات صادر شده است.
 - (۳) صدور، ظهرنویسی و ضمانت اسناد براتی.
 - (۴) تنزیل اسناد براتی و عده دار
- گزینه ۱ صحیح است.

منظور از معاملات برواتی معاملاتی است که مورد معامله آن ... (آزاد ۸۶)

- (۱) بروات باشد
 - (۲) کالا باشد
 - (۳) کالا باشد، به شرط آن که خریدار به جای وجه نقد برات بدهد.
 - (۴) کالا باشد مشروط بر آن که طرفین معامله تاجر باشند.
- گزینه ۱ صحیح است.

بند ۹ - عملیات بیمه بحری و غیر بحری:

عقد بیمه دارای دو طرف است:

✓ بیمه گر : شرکت های بیمه

✓ بیمه گذار: اشخاصی که اموال خود را نزد این شرکت ها بیمه میکنند.

* **دقت شود** که عمل بیمه گر، تجارتي است نه عمل بیمه گذار.

نکته: تمام شرکت های بیمه تاجر تلقی می شوند، چه موضوع قرارداد بیمه، بیمه اموال منقول باشد یا غیر منقول.

بند ۱۰-۱ - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آن: موارد مندرج در این بند در بندهای قبلی مانند تأسیس و به راه انداختن هر قسم کارخانه (کشتی سازی، بند ۴) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره (خرید و فروش کشتی، بند ۱) و تصدی به حمل و نقل (کشتی رانی داخلی و خارجی، بند ۲) لحاظ شده است. فقط قسمت آخر این بند دارای اهمیت است که مطلق معاملات راجع به کشتی را تجاری می داند، بنابراین علاوه بر صلح - بیع - اجاره و غیره که قبلاً گفته شد سایر معاملات از قبیل رهن کشتی نیز عمل تجاری ذاتی محسوب می شود.

جمع بندی:

دو شرط لازم برای تاجر شناختن شخص:

۱- انجام معاملات تجارتي

۲- اعمال تجارتي شغل وی باشد.

بندهای ۱۰ گانه ماده ۲ ق.ت. همگی اعمال تجارتي ذاتی بودند. این معاملات تجارتي باید برای تاجر و به حساب خود تاجر صورت بگیرد. به عبارت ساده تر سود و زیان عمل در جیب خود تاجر برود.
مثال:

اگر (الف) برای (ب) عمل تجارتي انجام دهد ⇐ (ب) تاجر است.

اما اگر (الف) برای خودش عمل تجارتي انجام دهد ⇐ (الف) تاجر است.

اعمال تجاری تبعی: (ماده ۳ ق.ت)

قانونگذار در ماده ۳ ق.ت در چهار بند اعمال تجاری تبعی را به شرح زیر معرفی می کند.

۱- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.

۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوائج تجارتي خود می نماید.

۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می نماید.

۴- کلیه معاملات شرکت های تجارتي

توضیح این که:

بند ۱- کلیه معاملات بین تاجر، کسبه و صرافان و بانک ها:

طبق این بند هر معامله ای که تاجری با تاجر دیگر انجام می دهد به تبع و اعتبار تاجر بودن متعاملین، تجارتی است، لیکن باید توجه نمود علی رغم عدم ذکر توسط قانونگذار، این معاملات در صورتی تجارتی است که برای رفع حوائج تجاری باشد.

بند ۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می نماید:

به عنوان مثال:

تاجری از یک هنرمند می خواهد که برای فروشگاهش یک تابلو نقاشی بکشد ← عمل تجارتی است. تاجری از یک هنرمند می خواهد که برای منزلش یک تابلوی نقاشی بکشد ← عمل تجارتی نیست. توجه: در هر دو مثال فوق آن هنرمند یا نقاش، غیر تاجر است. در مثال اول چون عمل برای رفع حوائج تجارتی تاجر صورت گرفته است عمل تجارتی است. اما در مثال دوم که برای رفع حوائج شخصی اوست عمل، تجارتی نیست.

بند ۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می نماید:

فعالیت ها و معاملاتی که این اشخاص انجام می دهند به نام و به حساب اربابشان است و سود و زیان حاصل از کار به جیب اربابشان می رود بنابراین ارباب ایشان تاجر است نه خودشان. حتی اگر شاگرد مغازه ای ۳۰ سال برای ارباب خود تجارت کند هرگز تاجر محسوب نمی شود. نکته: در این بند قانونگذار از مهمترین نماینده تاجر، یعنی قائم مقام تجارتی بدون دلیل نامی نبرده است که ضعفی برای قانونگذار تلقی می شود.

بند ۴- کلیه معاملات شرکت های تجارتی:

طبق ماده ۲۰ ق.ت. هفت نوع شرکت تجارتی وجود دارد که معاملات این شرکت ها همگی تجاری هستند. در بحث شرکت ها بیشتر توضیح خواهیم داد که طبق ماده ۲ لایحه سال ۱۳۴۷ ق.ت. شرکت های سهامی، شرکت های شکلا تجارتی هستند اعم از این که فعالیت تجارتی انجام بدهند یا خیر. اما بقیه شرکت های ق.ت. باید موضوع فعالیتشان تجارتی باشد تا تاجر محسوب شوند.

نکته: کلیه معاملات شرکتهای تجارتی برای حوائج تجارتی بوده و انجام عملی برای نیاز شخصی در آنها قابل تصور نیست.

ماده ۴ ق.ت: معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتی محسوب نمی شود.

علت این که قانون گذار ماده ای را به این مسئله اختصاص داده که معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتی نیستند این است که انجام این اعمال حتی تجاری تبعی نیز محسوب نمی شوند. به عبارت دیگر طبق اطلاق ماده ۴ ق.ت. معاملات راجع به اموال غیرمنقول به هیچ وجه تجارتی محسوب نمی شود. این اطلاق هم شامل اعمال تجاری ذاتی است و هم اعمال تجاری تبعی. بنابراین اگر شخصی شغل معمولی خود را خرید و فروش اموال غیرمنقول قرار دهد نه تنها تاجر نیست بلکه عمل تجارتی نیز انجام نداده است. از طرف دیگر اگر یک مال غیرمنقول بین دو شرکت سهامی نیز معامله شود این عمل به تبع تاجر بودن متعاملین، تجاری تبعی نخواهد بود.

نکته: دلای، حق العمل کاری و بیمه اموال غیر منقول ← تجارتی هستند.

◆ ماده ۴ق.ت. یک اصل کلی را بیان می کند این اصل دارای یک استثنا است:

استثنا: طبق ماده ۵ ق.تملك آپارتمان ها؛ شرکت های موضوع ماده ۲۰ ق.ت. که برای ایجاد یا ساخت خانه یا آپارتمان به قصد فروش یا اجاره یا سکونت یا پیشه تشکیل شده اند از انجام سایر معاملات بازرگانی ممنوع هستند.

بنابراین طبق ماده ۵ ق تملك آپارتمانها شرکت های تجاری (پس شامل اشخاص حقیقی نمی شود) که در کار ساخت خانه- آپارتمان و محل کسب و پیشه به قصد فروش، اجاره، سکونت یا کسب باشند این عملشان جز اعمال تجاری ذاتی است. البته این شرکت ها از انجام سایر امور تجاری ممنوع هستند.

قانون تملك آپارتمان ها مصوب ۱۶ اسفند ماه ۱۳۴۳

ماده ۵- انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد سافتمان فانه و آپارتمان و محل کسب بمنظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل میشود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط بکارهای سافتمانی ممنوع اند .

دقت شود:

ایجاد یا ساخت خانه یا آپارتمان به قصد فروش یا اجاره، عمل تجارتی محسوب می شود.
خرید خانه یا آپارتمان به قصد فروش یا اجاره، عمل تجارتی نیست.

کدام یک از عبارات ذیل صحیح نمی باشد؟ وکالت ۸۹

- ۱) تسهیل نقل و انتقال اموال غیرمنقول تجاری محسوب می شود.
 - ۲) معاملات غیرمنقول تجاری محسوب نمی شوند ولو آنکه بین تجار انجام شود.
 - ۳) خرید اراضی و تفکیک آن توسط تاجر، به قصد فروش تجاری محسوب می شود.
 - ۴) احداث ساختمان، به منظور فروش یا اجاره توسط شرکت های با مسئولیت محدود، عمل تجاری است.
- گزینه ۳ صحیح است.

ماده ۵ ق.ت: کلیه معاملات تجار، تجارتی محسوب می شود مگر این که ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست.

ماده فوق یک اماره قانونی است مبنی بر اینکه تمام اعمال تاجر، تجارتی است مگر اینکه غیر تجارتی بودن آن اثبات شود که اثبات آن نیز به عهده مدعی است زیرا مدعی، خلاف اصل، ادعا می کند.

۱- مدیران شرکتهای تجاری: سراسری ۸۵

- ۱) تاجر محسوب می شوند چون به نام خود عمل می کنند.
- ۲) تاجر محسوب نمی شوند چون به نام دیگری و به حساب دیگری عمل می کنند.
- ۳) تاجر محسوب می شوند چون به نام خود و به حساب خود عمل می کنند.
- ۴) تاجر محسوب نمی شوند چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می کنند.

۲- کدام یک از گزینه های زیر صحیح نیست؟ وکالت ۸۶

- ۱) ماشینی که به قصد اجاره معاوضه می شود، عمل تجاری است.
- ۲) خرید چرم جهت تبدیل به کفش به قصد فروش تجاری نیست.
- ۳) هر گاه کسی قالبی بخرد برای منزل خود و بعد از مدتی آن را بفروشد عمل تجاری است.
- ۴) خرید کتاب به قصد فروش آن عمل تجاری است.

۳- معامله ی بین دو تاجر: وکالت ۸۳

- ۱) در هر حال تجاری خواهد بود.
- ۲) در هر حال تجاری خواهد بود به استثنای اموال غیرمنقول.
- ۳) در هر حال تجاری خواهد بود به استثنای اموال منقول.
- ۴) فقط در صورتی که مربوط به حوائج شخصی تاجر باشد تجاری خواهد بود.

۴- کسبه جزء وکالت ۹۰

- ۱) مشمول مقررات حقوق تجارت نیستند.
- ۲) بازرگان به شمار آمده ولی از داشتن دفاتر تجاری معافند.
- ۳) بازرگان محسوب شده و بدون استثنا مشمول همه تکالیف تجار می باشند.
- ۴) در گذشته بازرگان به حساب می آمدند، اما در حال حاضر دیگر تاجر تلقی نمی شوند.

۵- معاملات تاجر تجاری محسوب آزاد ۸۸

- ۱) می شود، حتی اگر غیر تجاری بودن آن توسط طرف تاجر اثبات شود. (۲) میشود.
- ۳) نمی شود، چنانچه طرف تاجر غیر تجاری آن را ثابت کند. (۴) نمی شود.

۶- کدام مورد زیر در شمار معاملات تجاری تبعی است؟ (وکالت ۸۵)

- ۱) کلیه معاملات شرکت های تجاری.
- ۲) عملیات بیمه بحری و غیربحری.
- ۳) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر و غیرتاجر باشد.
- ۴) هر قسم عملیات دلالی و حق العمل کاری و یا عاملی.

۷- کدام یک از عبارات ذیل صحیح نمی باشد؟ وکالت ۸۹

- (۱) تسهیل نقل و انتقال اموال غیرمنقول تجاری محسوب می شود.
- (۲) معاملات غیرمنقول تجاری محسوب نمی شوند ولو آنکه بین تجار انجام شود.
- (۳) خرید اراضی و تفکیک آن توسط تاجر، به قصد فروش تجاری محسوب می شود.
- (۴) احداث ساختمان، به منظور فروش یا اجاره توسط شرکت های با مسئولیت محدود، عمل تجاری است.

۸- کدامیک از اعمال ذیل تجار تی نمی باشد؟ (آزاد ۹۲)

- (۱) هر قسم عملیات حق العمل کاری و عاملی
- (۲) پذیره نویسی شرکت سهامی
- (۳) خرید یا تحصیل هر نوع مال غیر منقول به قصد فروش یا اجاره
- (۴) گزینه ۲ و ۳

پرسش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پاسخ	۲	۳	۲	۲	۳	۱	۳	۴

ضمانت:

(مواد ۴۱۱-۴۰۲ ق.ت)

تعریف: ضمان عقدی است که به موجب آن شخصی در برابر طلبکار با موافقت او دین دیگری را بر عهده می گیرد.

ویژگی های عقد ضمان:

عقد لازم - عقد رضایی - عقد تبعی - عقد مسامحه ای

انواع ضمان:

ضمان نقل ذمه به ذمه (ضمان عادی) ← قاعده و اصل

ضمان ضم ذمه به ذمه } ضمان تضامنی عرضی ← خلاف اصل
ضمان وثیقه ای طولی ← خلاف اصل

الف - ضمان عادی ← در این نوع ضمان که قاعده و اصل همین است، ذمه مدیون اصلی بری شده و ذمه ضامن به جای او در برابر طلبکار مشغول می گردد.

ب - ضمان تضامنی ← در این نوع ضمان که خلاف اصل است، ذمه ضامن و مضمون عنه در عرض یکدیگر قرار می گیرد بدین صورت که طلبکار برای وصول طلب خویش می تواند به هر دو در عرض هم رجوع کند.

ج - ضمان وثیقه ای ← در این ضمان که خلاف اصل است ذمه ضامن، وثیقه‌ی ذمه مضمون عنه قرار می گیرد بدین صورت که اگر مضمون له ابتدا به مضمون عنه (مدیون اصلی) رجوع نمود و به نتیجه نرسید، بعد می تواند به ضامن رجوع کند.

نکته: اصل بر ضمان نقل ذمه به ذمه (ضمان عادی) است و در بین ضمان تضامنی و ضمان وثیقه ای اصل بر ضمان تضامنی است مگر این که طرفین خلاف این قاعده تراضی نموده باشند.

نکته: طبق ماده ۴۰۵ ق.ت، قبل از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن ملزم به تادیه نیست ولو این که به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی، دین موجد او حال شده باشد.

توضیح ← سر رسید دین اصلی ۹۳/۵/۱ است و ضامن در تاریخ ۹۳/۶/۱ از مدیون اصلی ضمانت نموده (ضمان موجد) اگر مدیون اصلی در ۹۳/۳/۱ فوت کند یا ورشکسته شود ضامن الزامی ندارد در ۹۳/۳/۱ دین را پرداخت نماید. به عبارت دیگر الزامی به پرداخت دین زودتر از ۹۳/۵/۱ ندارد.

طبق ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی، دیون موجد متوفی بعد از فوت وی حال می شود. اما این حال شدن طبق ماده ۴۰۵ ق.ت. تاثیری در حال شدن دین ضامن ندارد.

نکته: اگر ضامن به صورت حال از مضمون عنه، ضمانت نموده باشد مشمول قاعده ماده ۴۰۵ نمی شود.

مثال: سر رسید دین اصلی ۹۳/۵/۱ است و ضامن به صورت حال ضمانت کرده است نه موجد اگر مدیون اصلی ۹۳/۳/۱ فوت یا ورشکسته شد از آن جایی که ضمانت ضامن حال است باید دین را در همان تاریخ فوت پرداخت نماید.

نکته: طبق ماده ۴۰۹ ق.ت. همین که دین حال شد ضامن می تواند مضمون له را به دریافت یا انصراف از ضامن ملزم کند ولو ضامن موجد باشد.

توضیح: سر رسید دین اصلی ۹۳/۵/۱ ، ضمانت ضامن ۹۳/۷/۱ (ضمانت موجد)

ضامن در تاریخ ۹۳/۷/۱ باید دین را پرداخت کند اما می تواند در تاریخ ۹۳/۵/۱ که دین اصلی حال شده است مضمون له را ملزم به دریافت کند یا اگر ضمانت وی موجد است و دین مدیون اصلی به واسطه فوت یا ورشکستگی او حال شده؛ ضامن می تواند دین را پرداخت کند حتی اگر ضمانت وی موجد باشد.

نکته: در ق.ت. بر خلاف قانون مدنی اگر مضمون له از دریافت طلب خویش استنکاف نمود ضامن فوراً بری می شود اما در قانون مدنی، در این حالت ضامن در صورتی بری می شود که به حاکم رجوع کند. (وحدت ملاک ماده ۲۳۷ ق.م.)

نکته مهم: مسئولیت تضامنی خلاف اصل است بنابراین نیاز به نص قانون یا تصریح در قرارداد دارد. موادی که دارای نص قانونی در مورد مسئولیت تضامنی می باشد به قرار ذیل است:
مواد مندرج در لایحه اصلاحی ۱۳۴۷:

ماده ۳۲- ماده ۱۱۰- ماده ۱۳۰- ماده ۱۴۳- ماده ۲۷۳

مواد مندرج در قانون تجارت ۱۳۱۱:

ماده ۹۵- ماده ۹۸- ماده ۱۰۱- ماده ۱۱۶- ماده ۱۲۵- ماده ۲۴۹- ماده ۳۴۷- ماده ۴۹۵

انتقال طلب به ضامن (ماده ۴۱۱ ق.ت.):

در صورتی که دین اصلی دارای وثیقه باشد پس از پرداخت دین، وثیقه (اعم از منقول یا غیر منقول) به ضامن منتقل می شود.

اگر وثیقه منقول باشد ← انتقال آن به وسیله تحویل گرفتن آن از مضمون له صورت میگیرد

اگر وثیقه غیر منقول باشد ← مضمون عنه مکلف است تشریفات خاص که برای انتقال مال غیر منقول به ضامن لازم است را انجام دهد.

بیشتر بدانید:

در ماده ۴۰۵ ق.ت آمده است که اگر قبل از رسیدن اجل دین اصلی ، مدیون ورشکسته شود و به واسطه ورشکستگی دین مؤجل او حال شود ضامن الزامی به تأدیه دین ندارد.

ماده ۴۲۲ ق.ت می گوید: اگر تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه فته طلب یا برات می باشند (مانند ضامن) باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را سر وعده تأمین نمایند.

توضیح: حکم ماده ۴۰۵ در مورد حال نشدن دین ضامن در اثر ورشکستگی مدیون اصلی به موجب ماده ۴۲۲ ق.ت. در مورد اسناد تجاری تخصیص خورده است.

پس دقت کنید:

اگر ضمانت ضامن در اسناد تجاری باشد به جز چک با ورشکستگی مدیون اصلی قبل از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن ملزم به تأدیه می گردد.

اگر ضمانت ضامن در غیر اسناد تجاری باشد با فوت یا ورشکستگی مدیون اصلی قبل از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن الزام به تأدیه ندارد.

تجارت ۲

شرکت ها

- شرکت های سهامی (عام و خاص) مواد ۱ تا ۳۰۰ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷
- شرکت با مسئولیت محدود مواد ۹۴ تا ۱۱۵ قانون تجارت ۱۳۱۱
- شرکت تضامنی مواد ۱۱۶ تا ۱۴۰ قانون تجارت ۱۳۱۱
- شرکت نسبی مواد ۱۴۱ تا ۱۶۱ قانون تجارت ۱۳۱۱
- شرکت مختلط سهامی مواد ۱۶۲ تا ۱۸۲ قانون تجارت ۱۳۱۱
- شرکت مختلط غیر سهامی مواد ۱۸۳ تا ۱۸۹ قانون تجارت ۱۳۱۱
- شرکت تعاونی مواد ۱۹۰ تا ۱۹۴ قانون تجارت ۱۳۱۱، قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰.

توضیح: این فصل (مبحث شرکت‌ها) دارای دو بخش می‌باشد که در بخش اول، هر شرکت به تفکیک توضیح داده می‌شود و در بخش دوم، شرکت‌ها را به طور تطبیقی بررسی خواهیم نمود. البته در ابتدا کلیاتی راجع به تمام شرکت‌های تجاری بیان خواهد شد.

کلیات:

تعریف شرکت:

در قانون تجارت ایران تعریفی از شرکت‌های تجاری وجود ندارد. به همین دلیل حقوق دانان تعاریف متفاوتی از آن ارائه داده‌اند.

در قانون مدنی، قانون‌گذار در ماده ۵۷۱ آن، شرکت را عبارت از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه می‌داند. (تعریف شرکت مدنی)

دکتر اسکینی، شرکت را قراردادی می‌دانند که به موجب آن دو یا چند نفر توافق می‌نمایند سرمایه خود را که حاصل جمع آورده‌های آن‌هاست برای انجام مقصود خاص، اختصاص داده و در منافع و زیان‌های احتمالی از به کارگیری آن سرمایه سهم‌باشند.^۱ (تعریف شرکت تجاری)

مقایسه شرکت‌های تجاری با شرکت‌های مدنی:

۱. هدف از تشکیل شرکت‌های تجاری، بردن سود و تقسیم آن میان خود است لذا تشکیلاتی که برای هدف‌های اخلاقی و اجتماعی به وجود می‌آیند شرکت تجاری نیستند.

۲. شرکت‌های تجاری مستقل از اجزای تشکیل‌دهنده خود دارای شخصیت حقوقی مستقل است به گونه‌ای که بعد از تشکیل شرکت رابطه شرکا با آورده خود قطع می‌شود و آورده متعلق به یک شخصیت حقوقی به نام شرکت می‌گردد. اما در شرکت مدنی، شخصیت حقوقی مستقل تشکیل نمی‌شود و رابطه شرکا با آورده خود قطع نمی‌شود. به عبارت دیگر در شرکت‌های تجاری، اموال شرکت متعلق به خود شرکت است و حق شرکا نسبت به اموال شریک یک حق دینی است اما در شرکت‌های مدنی حق شرکا نسبت به اموال شرکت یک حق عینی است.

۳. غالب مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری مقررات آمره می‌باشد در حالیکه در شرکت‌های مدنی مقررات اصولاً تکمیلی است

۴. تصمیمات در شرکت‌های مدنی به اتفاق آراست اما تصمیمات در شرکت‌های تجاری، اصولاً با اکثریت آراست که ممکن است به صورت اکثریت نسبی، اکثریت عددی و اکثریت مطلق باشد.

۵. ورشکستگی ویژه شرکت‌های تجاری است و در مورد شرکت‌های مدنی ورشکستگی معنایی ندارد. در مورد این شرکت‌ها مقررات اعسار اعمال می‌گردد.

^۱ اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، ج ۱، انتشارات سمت، چاپ ششم، پاییز ۸۲، ص ۱۷

۶. در صورت ناتوانی شرکت مدنی از پرداخت دیون، طلبکاران می توانند به اموال شخصی شرکا بدون رعایت ترتیبات مراجعه کنند اما در شرکت های تجاری، اگر سرمایه ای باشند (سهامی عام، خاص، با مسئولیت محدود) طلبکاران به هیچ وجه حق مراجعه به دارایی شخصی شرکا را ندارند و اگر شرکت شخصی باشد (تضامنی و نسبی) طلبکاران فقط زمانی می توانند به دارایی شخصی شرکا مراجعه کنند که اولاً خود شرکت قادر به پرداخت دیون نباشد و ثانیاً شرکت منحل شده باشد.

نکته: در حال حاضر وجه تشابه شرکت تجاری و مدنی در تعدد شرکاست که البته در لایحه جدید قانون تجارت شرکت های تک شریکی هم پیش بینی شده است.

عناصر تشکیل دهنده شرکت:

عنصر نخست - تعدد شرکا:

چه در حقوق مدنی چه در حقوق تجارت شرکت در صورتی ایجاد می شود که حداقل دو نفر در ایجاد آن سهیم باشند. در حقوق مدنی شرکت جز با همکاری حداقل ۲ نفر به وجود نمی آید اما در حقوق تجارت این حداقل در شرکت های مختلف، متفاوت است.

- حداقل دو شریک: شرکت های تضامنی، با مسئولیت محدود، نسبی و مختلط غیر سهامی
- حداقل سه شریک: شرکت های سهامی خاص، مختلط سهامی
- حداقل پنج شریک: شرکت سهامی عام
- حداقل هفت شریک: شرکت تعاونی

نکته: شرکت ها هیچ کدام دارای حداکثری برای تعداد شرکا نیستند اما همگی دارای حداقل می باشند.

نکته: در حقوق تجارت ایران شرکت تک شریکی تعریف نشده است، هرچند شرکت های دولتی به عنوان شرکت های تک شریکی وجود دارد اما این بدان معنا نیست که قوانین و ضوابط آن پیش بینی شده باشد.

عنصر دوم - شرکای شرکت:

این شرکا هم می توانند شخص حقیقی باشند و هم شخص حقوقی. بدین معنا که همگی شرکا می توانند حقیقی باشند یا حقوقی یا مخلوطی از هر دو.

به نمونه تست زیر دقت کنید:

کدام گزینه صحیح است؟ (وکالت ۹۲)

- ۱) همه شرکای شرکت تضامنی باید شخص حقیقی باشند.
- ۲) همه شرکای شرکت تضامنی ممکن است شرکت تجاری باشند.
- ۳) لااقل یک شریک شرکت تضامنی باید شخص حقیقی باشد.
- ۴) لااقل یک شریک شرکت تضامنی باید تاجر باشد.

گزینه ۲ صحیح است.

شرکت ها (تاجر حقوقی)

مواد ۱ تا ۳۰۰ لایحه + مواد ۹۴ تا ۲۲۲ ق.ت.

شرکت تعاونی	شرکت های مختلط	شرکت نسبی	شرکت تضامنی	شرکت با مسئولیت محدود	شرکت سهامی عام و خاص
ماده ۱۹۳ ق.ت.	مختلط غیر سهامی: (ماده ۱۴۱ ق.ت.)	ماده ۱۸۳ ق.ت.	ماده ۱۱۶ ق.ت.	ماده ۹۴ ق.ت.	ماده ۱ و ۲ لایحه
مسئولیت هر شریک: ↓ محدود به مبلغ اسمی سهام	* مسئولیت شریک ↓ ضامن: ↓ کلیه قروض * مسئولیت شریک با مسئولیت محدود: ↓ تا میزان سرمایه	مسئولیت هر شریک: ↓ به نسبت سرمایه	مسئولیت هر شریک: ↓ تمام قروض شرکت	مسئولیت هر شریک: ↓ تا میزان سرمایه (منظور سرمایه شخصی یا همان مبلغ آورده است)	مسئولیت هر شریک: ↓ محدود به مبلغ اسمی سهام
	مختلط سهامی: (ماده ۱۶۲ ق.ت.) * مسئولیت شریک ↓ ضامن: ↓ کلیه قروض * مسئولیت شریک سهامی: ↓ تا میزان سرمایه (منظور سرمایه شخصی یا همان مبلغ آورده است)				

شرکت تعاونی که در جدول فوق درج شده است طبق قانون تجارت جز شرکت های تجاری محسوب می شود. لیکن با تصویب قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۷۰ در حال حاضر شرکت های تعاونی از مضمول مقررات قانونی تجارت خارج شده و براساس قانون بخش تعاون تشکیل و اداره می شود و فقط در خصوص انحلال و تصفیه تابع مقررات قانون تجارت هستند.

شرکت های تعاونی اصولاً تابع قانون حاکم بر مقررات شرکت های سهامی هستند یعنی سرمایه در این شرکت ها مانند شرکت های سهامی به قطعات سهم تقسیم شده و میزان مسئولیت هر شریک محدود به مبلغ اسمی سهم اوست.

حداقل تعداد اعضا برای تشکیل شرکت تعاونی ۷ عضو می باشد و هر عضو صرف نظر از تعداد سهام دارای یک رأی است. حداقل تعداد مدیران ۳ نفر و حداکثر آن ۷ نفر است و الزاما باید تا یک سوم تعداد مدیران اصلی مدیر علی البدل تعیین شود. طول مدت مدیریت مدیران ۳ سال است و مدیر عامل نیز برای ۳ سال انتخاب می شود. بازرس هم مأموریت ۳ ساله دارد.

در این شرکت، تصویب اساسنامه در مجمع عمومی عادی انجام می شود. اولین مدیران در مجمع عمومی مؤسس و مدیران بعدی در مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند، لیکن عزل مدیران در هر حالت با مجمع عمومی فوق العاده است.

نکته: مسئولیت شریک سهامی در شرکت مختلط سهامی طبق ماده ۱۶۲ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ تا میزان سرمایه است. در حالی که مسئولیت شریک در شرکت سهامی طبق ماده ۱ لایحه مصوب ۱۳۴۷ محدود به مبلغ اسمی سهام است. نتیجه این که، ماده ۱۶۲ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ به موجب ماده ۱ لایحه، نسخ گردیده و مسئولیت شریک سهامی در شرکت مختلط سهامی محدود به مبلغ اسمی سهام است.

نکته: در شرکت های سرمایه ای میزان مسئولیت هر شریک محدود به مبلغ اسمی سهام او (اگر شرکت سهامی باشد) و یا محدود به مبلغ آورده اوست (اگر شرکت با مسئولیت محدود باشد) در حالیکه در شرکت های اشخاص مسئولیت شرکا به شکل نامحدود است. اگر شرکت تضامنی باشد مسئولیت نامحدود و مطلق است و اگر نسبی باشد مسئولیت نامحدود و نسبی است (منظور از مسئولیت مطلق این است که هر شریک صرف نظر از میزان آورده اش نسبت به کل بدهی شرکت مسئولیت خواهد داشت و منظور از مسئولیت نسبی این است که هر شریک مسئولیتش به نسبت آورده اش است به کل سرمایه.

نکته: مسئولیت شریک در شرکت نسبی، به نسبت سرمایه است.

سرمایه شخص

$$\text{مسئولیت شرکا در شرکت نسبی} = \frac{\quad \times 100}{\quad}$$

کل سرمایه

۳۰۰۰۰۰۰

مسئولیت یک شریک در شرکت نسبی $\frac{\quad \times 100}{\quad} = 25\%$ مثال :

۱۲۰۰۰۰۰۰

نکته مهم: مسئولیت شریک در شرکت تضامنی، **مطلق و نامحدود** است اما در شرکت نسبی، **نامحدود و نسبی** است.

نکته: در خصوص چگونگی نقل و انتقال سهام یا سهم الشرکه در شرکت های مختلف:

۱- در شرکت های نسبی و تضامنی هر گونه نقل و انتقال سهم الشرکه منوط به موافقت و تراضی تمام شرکاست، چه انتقال بین شرکا باشد یا خارج از آن.

- ۲- در شرکت با مسئولیت محدود برای نقل و انتقال سهم الشرکه موافقت شرکایی که لااقل $\frac{2}{3}$ سرمایه در اختیار داشته و اکثریت عددی را نیز دارا باشند به همراه تنظیم سند رسمی لازم است.
- نکته:** اگر شرکای شرکت با مسئولیت محدود بخواهند سهم الشرکه را بین خودشان انتقال دهند حد نصاب ذکر شده لازم نیست اما در هر صورت تنظیم سند رسمی را می خواهد
- ۳- در شرکت سهامی عام نقل و انتقال سهام مطلقاً آزاد می باشد و نیاز به موافقت هیچ مرجعی ندارد حتی اگر اساسنامه آن را محدود کرده باشد.
- ۴- در شرکت سهامی خاص نقل و انتقال سهام اصولاً آزاد است بنابراین ممکن است در اساسنامه این موضوع منوط به موافقت مجامع عمومی یا مدیران شود.
- نکته:** در شرکت های سرمایه ای در صورتیکه دارایی شرکت کفاف پرداخت دیون آن را ننماید امکان رجوع طلبکار شرکت به اموال شخصی شرکا و سهامداران وجود نخواهد داشت.
- استثنا در این شرکتها اگر شریکی تمام مبلغ اسمی سهام یا سهم الشرکه خود را نپرداخته باشد و شرکت ورشکسته گردد طلبکار شرکت می تواند به میزان مبلغ پرداخت نشده مبلغ اسمی، به شریک رجوع کند.
- نکته:** در شرکت های سرمایه ای اصولاً فوت یا حجر هر یک از شرکا باعث انحلال شرکت نمی شود مگر فوت در شرکت با مسئولیت محدود اگر در اساسنامه پیش بینی شده باشد در حالیکه در شرکتهای اشخاص فوت یا حجر ممکن است باعث انحلال گردد حتی اگر در اساسنامه پیش بینی نشده باشد.

بیشتر بدانید:

مثال: شرکت A با سرمایه اولیه ۶۰ میلیون تومان توسط سه شخص "الف" با آورده ۳۰ میلیون تومان، شخص "ب" با آورده ۲۰ میلیون تومان و شخص "ج" با آورده ۱۰ میلیون تومان تشکیل می شود. حال این شرکت: مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان بدهی به بار آورده است. براین اساس موارد زیر را بررسی می کنیم:

- ۱- میزان مسؤلیت شرکت در قبال بدهی ها محدود به میزان دارایی آن شرکت است و تفاوتی نمی کند که شرکت سرمایه ای باشد یا شخصی.
- ۲- اگر شرکت سرمایه ای باشد میزان مسؤلیت هر کدام از شرکا در قبال بدهی های شرکت فقط همان مبلغ آورده شان است یعنی الف ۳۰ میلیون تومان ب ۲۰ میلیون تومان و ج ۱۰ میلیون تومان
- ۳- اگر شرکت سرمایه ای باشد و طلبکار ابتدائاً به شرکت مراجعه کند ولی نتواند به تمام طلب خود برسد در اینجا دیگر حق مراجعه به دارایی شخصی الف- ب- ج را نخواهد داشت.

۴- اگر شرکت تضامنی باشد و طلبکار پس از مراجعه به شرکت نتواند به طلب خود برسد و شرکت منحل گردد می تواند به هر کدام از شرکا برای کل ۱۲۰ میلیون تومان مراجعه کند. لیکن اگر یکی از شرکا کل بدهی را به طلبکار بپردازد می تواند به شرکا دیگر هر کدام به نسبت سم الشرکه شان مراجعه کند (محاسبه میزان مسئولیت شرکا بین خودشان در اینجا مانند محاسبه مسئولیت شرکای شرکت نسبی در قبال طلبکاران است که در شماره بعد اشاره شده است)

۵- اگر شرکت نسبی باشد میزان مسئولیت هر شریک برای پرداخت بدهی نسبتی است میان آورده به کل سرمایه که بر روی مبلغ بدهی پیاده می شود.

میزان بدهی

$$\frac{\text{میزان مسئولیت هر شریک در قبال بدهی شرکت}}{\text{میزان سرمایه}} \times \text{مبلغ آورده} =$$

$$\frac{۶۰/۰۰۰/۰۰۰}{۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰} \times ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ \text{ (الف)} = ۴۰/۰۰۰/۰۰۰$$

$$\frac{۶۰/۰۰۰/۰۰۰}{۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰} \times ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ \text{ (ب)} = ۲۰/۰۰۰/۰۰۰$$

$$\frac{۶۰/۰۰۰/۰۰۰}{۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰} \times ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ \text{ (ج)} = ۵/۰۰۰/۰۰۰$$

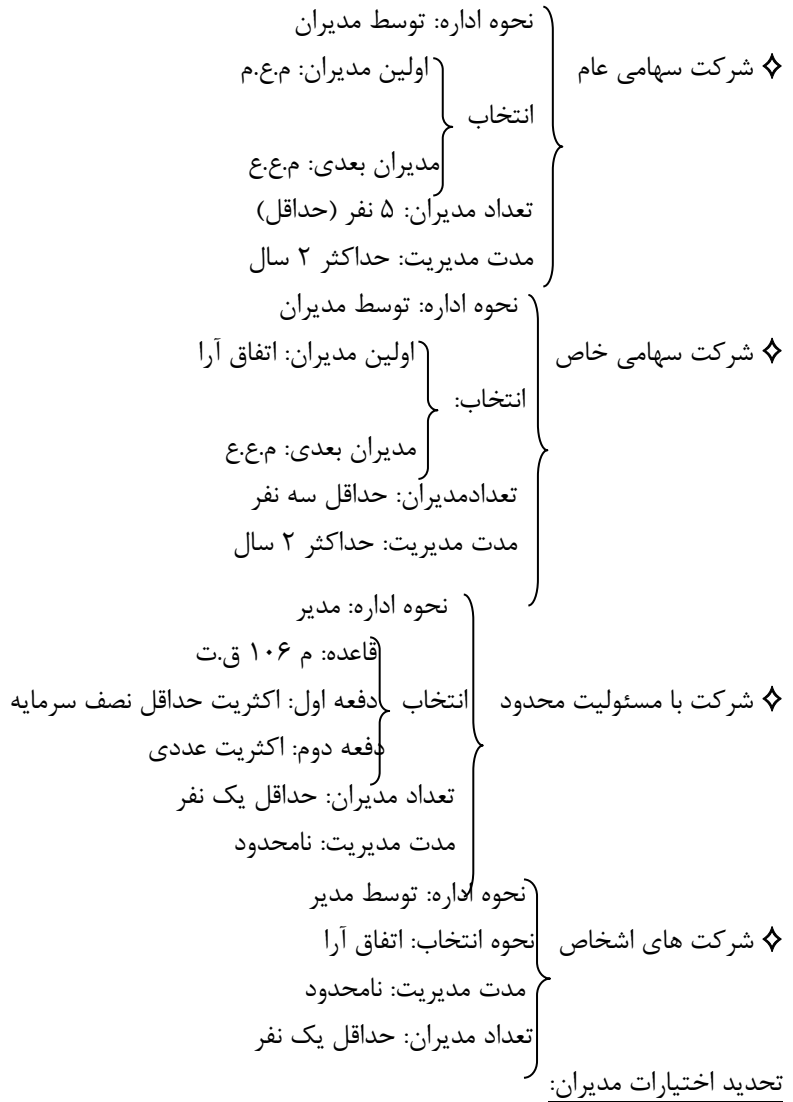
نکته: در کل شرکت ها اعم از سرمایه ای و اشخاص میزان مسئولیت شرکا بین خودشان به نسبت آورده شان است (مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد) و فقط در قبال طلبکاران است که می گوئیم محدود یا نامحدود و یا مطلق و یا نسبی است.

۶- اگر شرکت مختلط باشد و طلبکار شرکت با مراجعه به شرکت نتواند به طلب خود برسد فقط می تواند به شریک ضامن مراجعه کند و حق مراجعه به شرکا سهامی یا با مسئولیت محدود را ندارد. در این حالت شریک ضامن هم پس از پرداخت بدهی به طلبکار، دیگر حق رجوع به شرکای سهامی یا مسئولیت محدود را نخواهد داشت.

نتیجه: بر اساس مسئولیت شرکا در شرکت های مختلف، شرکت ها را به دو دسته عمده اشخاص و سرمایه تقسیم می نماییم:

۱. در شرکت های اشخاص؛ شخصیت شرکا مهم تر از سرمایه است.
- در شرکت های سرمایه؛ سرمایه شرکت مهم تر از شخصیت شرکاست.
۲. در شرکت های اشخاص؛ مسئولیت شرکا نامحدود است.
- در شرکت های سرمایه؛ مسئولیت شرکا محدود است.
۳. در شرکت های اشخاص؛ فوت یا حجر هر کدام از شرکا ممکن است موجب انحلال شرکت شود.
- در شرکت های سرمایه؛ فوت یا حجر هیچ یک از شرکا موجب انحلال شرکت نیست، مگر فوت شریک در شرکت با مسئولیت محدود، آن هم در صورتی که این موضوع در اساسنامه از موجبات انحلال ذکر شده باشد.
۴. در شرکت های اشخاص؛ انتقال سهم الشرکه به غیر آزاد نبوده و منوط به رضایت تمام شرکاست.
- در شرکت های سرمایه؛ اساسا انتقال سهام آزاد است جز در شرکت با مسئولیت محدود که رضایت اکثریت شرکا لازم است.

اداره شرکت ها به صورت تطبیقی:



در شرکت های اشخاص و با مسئولیت محدود:

- در اساسنامه: هم در برابر ثالث و هم در بین خود شرکا معتبر است.
 - در خارج از اساسنامه: فقط در برابر مدیر و شرکا اعتبار دارد و در برابر ثالث معتبر نیست.
- در شرکت های سهامی:
- در اساسنامه: در برابر ثالث بی اعتبار است اما در رابطه بین مدیران و شرکا اعتبار دارد.

➤ در خارج از اساسنامه: در برابر ثالث بی اعتبار است اما در رابطه بین مدیران و شرکا اعتبار دارد.

سوم - بازرسی در شرکت ها (رکن نظارتی)

الف - شرکت های اشخاص:

در این نوع شرکت ها، قانون و مقررات خاصی ندارد، بنابراین نظارت در این شرکت ها به اختیار تمام شرکا است.

ب- شرکت با مسئولیت محدود (ماده ۱۰۹ ق.ت):

تا ۱۲ شریک وجود بازرسی اختیاری است، اما بیش از ۱۲ نفر یعنی حداقل ۱۳ نفر، وجود بازرسی الزامی است. بازرسی در شرکت ب.م.م به صورت هیئت نظارت است. مستفاد از مواد ۱۰۹ و ۱۲۵ ق.ت هیئت نظار حداقل باید سه نفر باشند. این هیئت توسط مجمع عمومی و بر اساس قاعده ماده ۱۰۶ انتخاب می شوند. اولین هیئت نظار برای مدت یکسال و بعدی ها بدون محدودیت انتخاب می شوند.

وظایف هیئت نظار:

- از جهت اعمال اداری هیچ مسئولیتی ندارند و فقط طبق قوانین مسئول اعمال و تقصیرات خود هستند. (ماده ۱۶۷ ق.ت)
- گزارش به مجمع عمومی (ماده ۱۶۸ ق.ت)
- دعوت از شرکا برای انعقاد مجمع عمومی (ماده ۱۶۹ ق.ت)
- تشکیل مجمع عمومی شرکا حداقل سالی یک مرتبه

ج- شرکت های سهامی (م ۱۴۴ لایحه)

وجود بازرسی در این شرکت ها الزامی است. مطابق قانون، شرکت مکلف است حداقل یک بازرسی اصلی و یک بازرسی علی البدل تعیین کند (م ۱۴۶ لایحه)

نکته: طبق قانون نحوه استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی در شرکت ها، بازرسی در شرکت های سهامی عام باید از بین موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی باشد.^۱

۱. آیین نامه اجرایی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی، مصوب ۱۳۷۹/۶/۱۳ هیات وزیران و اصلاحیه ۱۳۸۷/۱/۱۰ هیأت وزیران

ماده ۱: به منظور اعمال نظارت مالی بر واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی و همچنین حصول اطمینان از قابل اعتماد بودن صورتهای مالی واحدهای مزبور در جهت حفظ منافع عمومی، صاحبان سرمایه و دیگر اشخاص ذی نفع، اشخاص حقیقی و حقوقی به ترتیبی که در این آیین نامه معین می شود از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران رسمی شاغل و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران استفاده خواهند نمود.

ماده ۲ اشخاص حقوقی ذیل مکلفند حسب مورد «حسابرس و بازرسی قانونی» یا «حسابرس» خود را از میان موسسات حسابرسی که عضو جامعه حسابداران رسمی ایران می باشند، انتخاب نمایند:

الف) شرکتهای پذیرفته شده یا متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار و شرکتهای تابعه و وابسته به آنها،

ب) شرکتهای سهامی عام و شرکتهای تابعه و وابسته به آنها،

ج) شرکتهای موضوع بندهای الف و ب ماده (۷) قانون اساسنامه سازمان حسابرسی با رعایت ترتیبات مقرر در تبصره یک ماده (۱۳۲) قانون محاسبات عمومی

ه) شعب و دفاتر نمایندگی شرکتهای خارجی که در اجرای قانون اجازه ثبت شعبه و نمایندگی شرکتهای خارجی - مصوب ۱۳۷۶- در ایران ثبت شده اند،

تجارت ۳

اسناد تجاری

برات، سفته، چک

- برات مواد ۲۲۳ تا ۳۰۶ ق.ت.
- سفته مواد ۳۰۷ تا ۳۰۹ ق.ت.
- چک مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ ق.ت. و قانون صدور چک

مفهوم اسناد تجاری: اسناد عادی هستند که به دلیل ضرورت های اقتصادی و اجتماعی نسبت به سایر اسناد عادی از مزایای بیشتری برخوردار هستند تا به دارنده آن اطمینان بیشتری در وصول طلب بدهد.

ویژگی های اسناد تجاری:

- امضاکنندگان در برابر دارنده دارای مسئولیت تضامنی هستند.
- رسیدگی به دعاوی اسناد تجاری به صورت اختصاری است.
- صدور قرار تامین خواسته در دعاوی مربوط به این اسناد، بدون سپردن خسارت احتمالی خواهد بود.
- وجود سند تجاری در نزد هر شخص مبین طلبکار بودن وی و بدهکار بودن صادر کننده آن است.

طرفین اسناد تجاری:

تاریخ صدور (تاریخ تحریر)	}	تاریخ برات	⇔	صادر کننده (برات کش، محیل)	}	برات
تاریخ سررسید (تاریخ تادیه)	}	تاریخ سفته	⇔	برات گیر (محال علیه)	}	سفته
تاریخ صدور (تاریخ تحریر)				صادر کننده (متعهد)		
تاریخ سررسید (تاریخ تادیه)	}	⇔	دارای یک تاریخ است (تاریخ صدور و سررسید)	دارنده (متعهد له)	}	چک
				صادر کننده (متعهد اصلی)		
				دارنده (متعهد له)		
				بانک (محال علیه)		

کلیات

طبق قوانین فعلی در حال حاضر اسناد تجاری در سیستم حقوقی و اقتصادی ایران عبارتند از: برات- سفته (فته طلب)- چک

تفاوت های ساختاری اسناد تجاری:

الف) برات: در برات سه شخص دخالت دارند:

- ۱- صادر کننده برات (برات کش- برات دهنده- محیل)
- ۲- دارنده برات (ذی نفع سند- محتال- محال له- کسی که برات در وجه او صادر می شود)
- ۳- برات گیر (محال علیه- کسی که برات برعهده او صادر می شود)

ب) سفته: در سفته دو شخص وجود دارد:

- ۱- صادر کننده (متعهد سفته)

۲- دارنده (ذی نفع سفته)

نکته: در برات و سفته ۲ تاریخ وجود دارد: تاریخ صدور (تحریر) تاریخ پرداخت (سررسید)
بنابراین برات و سفته هم وسیله پرداخت هستند و هم وسیله تحصیل اعتبار (معاملات اعتباری):
معاملات مؤجل و مدت دار

چ) چک: در این سند تجاری سه شخص دخالت دارند:

۱- صادر کننده چک (صاحب حساب جاری در بانک)

۲- بانک محال علیه

۳- دارنده چک (ذی نفع سند)

نکته: چک فقط دارای یک تاریخ است که آن هم تاریخ صدور می باشد. طبق قانون تجارت این تاریخ باید با تاریخ پرداخت یکی باشد. بنابراین از نظر قانون تجارت چک فقط وسیله پرداخت می باشد و نمی توان از آن برای تحصیل اعتبار استفاده کرد (البته طبق اصلاحات قانون صدور چک در سال ۱۳۸۲ به شکل تلویحی چک وعده دار پذیرفته شده است هر چند که هنوز شکل ظاهری چک تغییر نکرده است. (کماکان دارای یک تاریخ است)

طبق قانون تجارت: وجود محل در زمان صدور چک الزامی است.

طبق قانون صدور چک (۸۲): صادر کننده باید در تاریخ مندرج در چک وجه نقد داشته باشد.

نکته: تاریخ تحریر و همچنین مبلغ مندرج در اسناد تجاری باید با حروف نوشته شود اگر در خصوص مبلغ این کار در سند ۲ بار انجام شده باشد و هر دو با حروف باشد لیکن مبالغ با یکدیگر فرق داشته باشد، مبلغ کمتر ملاک است و اگر یک بار با حروف و یک بار با عدد نوشته شده باشد، مبلغ نوشته شده با حروف معتبر خواهد بود.

نکته: اگر در چک، بین درج مبلغ با حروف و با عدد اختلاف وجود داشته باشد، از موجبات صدور گواهی عدم پرداخت است. (مواد ۳ و ۴ قانون چک)

نکته: در برات، برات گیر فقط بعد از قبول، محال علیه محسوب می شود و مسئول پرداخت وجه می گردد.

اصول اسناد تجاری:

در اسناد تجاری برخلاف اسناد و قراردادهای مدنی اصولی حاکم است که برای اسناد تجاری وضعیت متفاوتی را ایجاد می نماید. این اصول عبارتند از:

الف) اصل استقلال امضاءها: براساس این اصل هر امضایی در اسناد تجاری مستقل از سایر امضاها در نظر گرفته می شود و بطلان یک امضا به امضاها دیگر سرایت نمی کند، در حالیکه در حقوق مدنی اگر در چند معامله به هم پیوسته بطلان یکی از معاملات یا امضاها ثابت شود سایر معاملات و امضاها نیز باطل و بلاثر می گردد.

ب) اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات (اصل عدم توجه به ایرادات): این اصل یکی از نتایج اصل استقلال امضاهاست که براساس آن اگر دارنده سند به هر یک از مسئولین مراجعه کند شخص مسئول باید وجه سند را به وی پرداخت کند و نمی تواند با بهانه گرفتن و ایراد وارد کردن از پرداخت وجه امتناع کند.

نکته: اصل فوق دارای یک تعداد استثنا نیز می باشد که در صورت تحقق آنها می توان برخلاف اصل به ایرادات استناد کرد و وجه سند را نپرداخت. این موارد عبارتند از:

۱- در مقابل ید مستقیم ایرادات قابل طرح هستند لیکن نمی توان در مقابل ایادی غیرمستقیم به ایرادات استناد کرد.

سوال: شرکت الف بابت ثمن معامله، سفته ای در وجه شخص ب صادر می کند که متعاقباً بابت معامله ای در وجه شخص ج ظهرنویسی می شود. در صورت فسخ معامله اول، ایراد صادر کننده در برابر

A- ب و ج قابل استناد است.

B- ب و ج قابل استناد نیست.

✓ C- ب قابل استناد و در برابر ج غیرقابل استناد می شود.

D- ج قابل استناد است و در برابر ب غیرقابل استناد می باشد.

۲- چنانچه سند تجاری از حیث شکلی دارای ایراد باشد تمام مسئولین می توانند در برابر دارنده به این ایراد استناد کنند.

بطور مثال اگر سفته ای بدون امضا صادر کننده توسط چند شخص ظهرنویسی شود هیچکدام از ظهرنویسان در برابر دارنده سفته مسئول پرداخت نمی باشند زیرا این سفته به دلیل فقدان امضا صادر کننده هیچ اعتباری ندارد.

نکته: اگر برات کش به ایرادات شکلی استناد کند، سایر مسئولین نیز می توانند به این ایراد استناد کنند.

۳- اگر صادر کننده سند در هنگام امضا آن دارای اهلیت نباشد فقط خود آن شخص می تواند با استناد به این ایراد از پرداخت وجه سند خودداری کند.

نکته: ایراد عدم اهلیت در برابر دارنده با حسن نیت نیز قابل طرح است.

نکته: اگر شخص محجوری یک سند تجاری صادر کند و سپس آن سند ظهرنویسی شود ظهرنویسان مکلفند وجه آن را بپردازند.

۴- اصل عدم توجه به ایرادات فقط از دارنده با حسن نیت حمایت می کند بنابراین اگر دارنده سند سوءنیت داشته باشد و از مشکلات شکلی و ماهوی سند تجاری مطلع باشد تمام مسئولین سند می توانند این ایرادات را در برابر او مطرح نمایند.

۵- اگر امضای متعهد جعل شده و یا به اجبار صورت گرفته باشد همان شخصی که امضایش جعل شده و یا با اجبار و اکراه امضاء کرده می تواند این ایراد را مطرح کند.

توضیح بیشتر در خصوص برات:

شرایط شکلی برات:

۱- قید کلمه برات بر روی برگه برات: این شرط فاقد ضمانت اجراست.

۲- تاریخ تحریر (تاریخ صدور): شامل، روز، ماه، سال با تمام حروف.

فایده تاریخ تحریر:

تعیین وعده برات

مرور زمان

تعیین صلاحیت و اهلیت برات کش

ضمانت اجرا: عدم شمول مقررات برات راجع به آن

۳- نام برات گیر. ضمانت اجرا: ماده ۲۲۶ ق.ت.

۴- تعیین مبلغ برات: باید با تمام حروف باشد. ضمانت اجرا: ماده ۲۲۶ ق.ت.

توجه:

یکی با حروف	}	اگر دو مبلغ باشد	
		← مبلغ با حروف معتبر است.	
یکی با عدد	}	اگر دو مبلغ باشد	
			یکی کمتر
			← مبلغ کمتر مناط اعتبار است.
یکی بیشتر	}		

۵- تاریخ تادیه وجه برات (تاریخ سررسید):

♦ **برات به رویت:** دارنده این نوع برات باید ظرف یک سال از تاریخ برات وجه آن را از برات گیر مطالبه نماید. در این نوع از برات قبولی نداریم.

♦ **برات به وعده از رویت:** مانند، یک ماه از تاریخ رویت

در این نوع برات، دارنده باید ظرف یک سال از تاریخ برات، آن را به رویت براتگیر برساند والا هیچ گاه وعده برات فرا نمی رسد.

نکته: مطابق ماده ۲۲۸ ق.ت. در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته می شود. و اگر تاریخ قبولی قید نشود، تاریخ برات، تاریخ رویت است.

♦ **برات به وعده معین:** مانند درج تاریخ دقیق روز، ماه، سال. مانند: ۹۳/۷/۱

♦ **به وعده از تاریخ صدور:** مانند دو ماه پس از تاریخ صدور. اگر تاریخ صدور ۹۳/۷/۱ باشد، دو ماه بعد می شود تاریخ تادیه.

۶- مکان تادیه وجه برات:

این مکان، محل اقامت براتگیر است یا ممکن است محل دیگری باشد.

ضمانت اجرا: ماده ۲۲۶ ق.ت.

۷- نام دارنده برات. ضمانت اجرا: ماده ۲۲۶ ق.ت.

نکته: برات در وجه حامل تنظیم نمی شود. اما ظهر نویسی در برات می تواند در وجه حامل باشد.

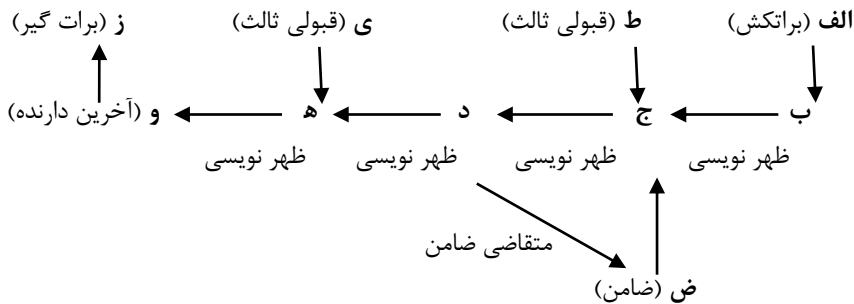
۸- تصریح به تعدد نسخ در صورت صدور برات بیش از یک نسخه. ضمانت اجرا: ماده ۲۲۶ ق.ت.

۹- امضا یا مهر. این شرط در بندهای هشت گانه م ۲۲۳ ق.ت. نیامده است. بلکه در صدر ماده ذکر شده.

امضا یا مهر هر سند تجاری حاکی از اراده انشایی صادر کننده آن است و مفاد سند بدون امضا قابل انتساب به وی نمی باشد.

نکته: در برات به رویت و به وعده از رویت، دارنده باید ظرف یکسال از تاریخ صدور برات برای مطالبه وجه برات به برات گیر مراجعه کند. در صورت انقضای یک سال و عدم مراجعه وی به براتگیر طبق ماده ۲۹۰ ق.ت. در صورت وجود ظهر نویسی هایی در برات، دعوا علیه ایشان مسموع نبوده و همچنین دعوا علیه برات کشی که ثابت کند سر وعده وجه برات را به براتگیر رسانیده نیز مسموع نمی باشد. بدین معنا که مسئولیت ظهرنویسان و برات کش در برابر دارنده از بین خواهد رفت.

گردش برات در قالب نمودار:



توضیح:

- ♦ برات پس از امضا توسط الف (برات کش) در اختیار دارنده یعنی ب قرار می گیرد.
- ♦ ب (دارنده برات) با ظهر نویسی پشت ورقه برات آن را به ج منتقل می نماید.
- ♦ هر دارنده براتی می تواند با ظهر نویسی، برات را به دیگری انتقال بدهد.

بیازماییم

۱- در مورد اثر طلبکار نبودن صادر کننده برات از محال علیه به هنگام صدور برات کدام گزینه صحیح است؟ (وکالت ۹۲)

- ۱- فقط در صورت آگاهی دارنده، عنوان برات از سند سلب می گردد.
- ۲- موجب سلب عنوان برات از سند نمی گردد.
- ۳- موجب سلب عنوان برات از سند می گردد.
- ۴- موجب سلب عنوان برات از سند می گردد مگر اینکه طلب بعداً به وجود آید.

۲- تاجری براتی در وجه حامل صادر نموده است: (آزاد ۹۱)

- ۱) این برات سندی تجاری محسوب می شود ولی از همه مزایای اسناد تجاری برخوردار نیست.
- ۲) این برات سند تجاری محسوب نمی شود.
- ۳) برات صادر شده سندی تجاری محسوب می شود.
- ۴) تأثیری در اعتبار تجارتي این اسناد ندارد.

۳- براتگیر، در صورت نکول برات: (سراسری ۸۴)

- ۱) با براتکش و ظهرنویسها مسئولیت تضامنی پیدا می کند.
- ۲) به تنهایی متعهد به پرداخت وجه برات می گردد.
- ۳) فقط در برابر براتکش مسئولیت پیدا می کند.
- ۴) هیچ گونه مسئولیت و تعهدی پیدا نمی کند.

۴- منظور از ماده ۲۴۲ قانون تجارت که مقرر می دارد: «هرگاه برات بی وعده قبول شد، باید فوراً پرداخته شود این است که (آزاد ۸۵)

- ۱) اگر سررسید تعیین نشده باشد، موعد پرداخت حال محسوب می شود.
- ۲) سررسید به رؤیت تلقی می شود و باید فوراً پرداخت شود.
- ۳) اگر بدون در نظر گرفتن سررسید تعیین شده براتگیر قبول کند، باید فوراً پرداخت شود.
- ۴) اگر دارنده برات تقاضا کند، دارنده باید فوراً پرداخت کند.

۵- در انتقال سند تجاری کدام گزینه صحیح است؟ (سراسری ۸۵)

- ۱) کلیه تضمینات مربوط به تعهد پایه صدور سند تجاری منتقل می شود.
- ۲) کلیه تضمینات مربوط به تعهد پایه و تعهد براتی منتقل می شود.
- ۳) صرفاً تضمینات مربوط به تعهد براتی منتقل می شود.
- ۴) هیچ یک از تضمینات مربوط به تعهد پایه و تعهد براتی منتقل نمی شود.

تجارت ۴ ورشکستگی

مواد ۴۱۲ تا ۵۷۵ ق.ت.

و

قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی
آیین نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

تعریف ورشکستگی :

قانون تجارت تعریف ورشکستگی ارائه نکرده است و صرفاً در ماده ۴۱۲ ق تجارت به بیان علت آن پرداخته است. طبق این نماده هر تاجر (اعم از حقیقی یا حقوقی) که متوقف در پرداخت دیون شود ورشکسته محسوب می شود و باید امر تصفیه اموال او به شرح زیر صورت گیرد:

الف) در صورتی که در حوزه دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی، اداره تصفیه وجود داشته باشد، دادگاه یک نسخه از حکم را به اداره تصفیه و نسخه ای را نیز به اداره ثبت محل ارسال می کند و سپس اداره تصفیه براساس قانون اداره تصفیه (مصوب ۱۳۱۸) موضوع را انجام می دهد.

ب) در صورتی که در حوزه دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی، اداره تصفیه نباشد، دادگاه در ضمن حکم و یا حداکثر ظرف ۵ روز، یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه انتخاب کرده که وی طبق قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱)، امر تصفیه را به سرانجام می رساند. بنابراین ۲ قانون یاد شده در فوق، هیچگاه با یکدیگر در تعارض قرار نمی گیرند. از طرف دیگر هرگاه در قانون اداره تصفیه است، نسبت به موضوعی سکوت شده باشد، اداره تصفیه می تواند، حکم مورد نظر را از قانون تجارت استخراج کرده و به آن عمل کند. (ماده ۱۲ قانون اداره تصفیه)

ورشکستگی حالتی است که در آن تاجر از پرداخت دیونش متوقف می شود و دادگاه نسبت به او حکم صادر می کند.

انواع ورشکستگی:

❖ ورشکستگی عادی: در این حالت تاجر صرفاً به دلیل اتفاقات رخ داده در بازار ورشکسته می گردد و خود در آن هیچ نقشی ندارد. در این حالت اموال او مهر و موم شده و جز تصفیه اموال و پرداخت بدهی های خود از طریق مدیر تصفیه وظیفه ی دیگری ندارد.

نکته: اصل بر ورشکستگی عادی است.

❖ ورشکستگی به تقصیر: در این حالت شخص تاجر اقداماتی را انجام می دهد که در پاره ای موارد دادگاه ملزم و در پاره ای موارد مخیر به صدور حکم ورشکستگی به تقصیر است.

👉 موارد الزامی صدور این حکم طبق ماده ۵۴۱ ق. ت عبارتند از:

۱. ثابت شود مخارج شخصی تاجر در ایام عادی نسبت به درآمد او فوق العاده باشد. بنابراین رخ دادن اتفاقاتی مانند ازدواج فرزندان، خرید جهیزیه، مخارج درمان و مشمول این بند نخواهد شد.

۲. تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده ای را صرف معاملات موهوم یا معاملاتی کند که نفع آن منوط به اتفاق محض است. (مانند خرید اوراق شانس)

۳. تاجر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود، خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کند یا وسایل دور از صرفه به کاربرد تا وجهی را بدست آورد، مانند استقراض، صدور برات سازشی و ...

بیازماییم

۱- کدام اشخاص ، مشمول مقررات ورشکستگی هستند ؟ (قضاوت ۹۳)

(۱) فقط شرکت های دولتی و خصوصی

(۲) فقط شرکت های تجاری خصوصی

(۳) شرکت های تجاری و اتحادیه های تعاونی

(۴) شرکت های تجاری و اتحادیه های تعاونی ، اگر به کار تجاری بپردازد

۲- تاجری که حکم ورشکستگی او صادر شده ، در دوره توقف ، خانه خود را وقف امور خیریه

کرده است. طبق قانون تجارت کدام مورد در خصوص عقد وقف ، صحیح است؟

(۱) باطل است. (۲) صحیح است. (۳) غیر نافذ است. (۴) قابل فسخ است.

۳- چنانچه پس از انحلال ارادی شرکت تجاری حکم ورشکستگی آن صادر شود

(وکالت ۹۲)

(۱) فقط مطالبات ورشکسته حال می شود. (۲) دیون و مطالبات ورشکسته حال نمی شود.

(۳) فقط دیون ورشکسته حال می شود. (۴) دیون و مطالبات ورشکسته حال می شود.

۴- در صورتی که تاریخ توقف تاجر در حکم ورشکستگی قید نشده باشد تاریخ توقف تاجر

چه زمانی محسوب می شود؟ (وکالت ۸۸)

(۱) تاریخ قطعیت حکم ورشکستگی (۲) تاریخ شروع به اجرای حکم ورشکستگی

(۳) تاریخ طرح دعوی در محکمه (۴) تاریخ صدور حکم ورشکستگی

۵- اگر معامله تاجر در زمان قبل از توقف مسبوق به تبانی بوده باشد ، این معامله:

(سراسری ۸۶)

(۱) غیرنافذ است و با تأیید مدیر تصفیه یا هیأت طلبکاران نافذ می شود.

(۲) در صورتی که متضمن ضرری بیش از یک چهارم قیمت حین معامله باشد قابل فسخ است.

(۳) قابل ابطال بوده و در صورت ابطال ، طرف معامله باید فقط عین مورد معامله را مسترد دارد.

(۴) باطل بوده و هیچ اثری بر آن مترتب نمی باشد و طرف معامله باید عین و منافع آن را مسترد دارد.

۶- نفقه ای که تاجر ورشکسته می تواند برای خود و خانواده اش تقاضا کند ، توسط

..... تعیین واز دارایی او پرداخت می شود. (آزاد ۸۸)

(۱) عضو ناظر با تصویب دادگاه (۲) مدیر تصفیه (۳) عضو ناظر (۴) دادگاه

۷- قرارداد ارفاقی در صورت انعقاد با چه اکثریتی واجد اثر حقوقی است؟ (وکالت ۸۴)

(۱) کلیه طلبکاران

۲) نصف به علاوه یک طلبکاران

۳) هر تعداد از طلبکاران که دارای سه ربع مطالبات تشخیص و تصدیق شده باشند.

۴) نصف به علاوه یک طلبکاران به شرط داشتن سه ربع مطالبات تشخیص و تصدیق شده

۸- دو کالا برای فروش به تاجر تسلیم شده است اولی فروخته شده و وجه آن نزد تاجر است و دومی فروخته نشده و نزد تاجر است در صورت ورشکستگی تاجر، آمر نسبت به (سراسری ۸۹)

۱) هر دو کالا دارای حق استرداد است.

۲) هر دو کالا داخل غرما قرار می گیرد.

۳) اولی طلبکار دارای حق رجحان است و نسبت به دومی حق استرداد کالا را دارد.

۴) اولی داخل در غرما قرار می گیرد و نسبت به دومی حق استرداد کالا را دارد.

۹- چنانچه معلوم گردد تاجر ورشکسته (وکالت ۹۲)

۱) پس از توقف، به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی پایین تر یا فروشی بالاتر از مظنه روز کرده باشد ورشکسته به تقصیر می گردد.

۲) پیش از توقف میان بستانکاران تبعیض قائل شده، ورشکسته به تقصیر می گردد.

۳) دفاتر خود را مطابق قانون تنظیم ننموده باشد، ورشکسته به تقلب می گردد.

۴) پس از تاریخ توقف با ترجیح یکی از طلبکارها بر سایرین طلب او را پرداخته باشد ورشکسته به تقصیر می گردد.

۱۰- صدور برات سازشی از جمله اموری است که: (آزاد ۹۱)

۱) دادگاه می تواند تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقصیر نماید.

۲) دادگاه باید تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقصیر نماید.

۳) دادگاه می تواند تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقلب نماید.

۴) دادگاه باید تاجر را محکوم به ورشکستگی به تقلب نماید.

۱۱- کدام مورد، از موارد ورشکستگی به تقصیر نیست؟ (وکالت ۹۳)

۱) اگر دفاتر خود را مفقود نموده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری، از بین برده باشد.

۲) اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود، خریدی بالاتر از مظنه روز کرده باشد.

۳) اگر محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه تاجر در ایام عادی، نسبت به درآمد او فوق العاده بوده است.

۴) اگر یکی از طلبکاران را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

۱۲- حسابدار تاجر ورشکسته به منظور کمک به معیشت تاجر، یکی از املاک تاجر را که به نام او بوده است به اداره تصفیه ابراز نکرده و سپس آن را به غیر فروخته و ثمن حاصل از آن را به تاجر ورشکسته تسلیم نموده است. اکنون: (آزاد ۸۹)

(۱) تاجر به ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شود.

(۲) حسابدار به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم می‌شود.

(۳) حسابدار مزبور به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم می‌شود و معامله مزبور باطل است.

(۴) موارد ۱ و ۳

۱۳- مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه امور ورشکستگی: (آزاد ۹۲)

(۱) دادگاهی است که حکم ورشکستگی را صادر نموده است.

(۲) دادگاهی است که حکم ورشکستگی در آنجا قطعی شده است.

(۳) دادگاهی است که اموال تاجر ورشکسته در حوزه آن فروخته می‌شود.

(۴) هیچ کدام

۱۴- در صورتی که شخصی متقلبانه و بر خلاف واقع طلبی را اظهار کرده و برابر ماده ۴۶۷

ق.ت. التزام داده باشد ... (سردفتری ۸۴)

(۱) به مجازات ورشکستگی به تقصیر محکوم می‌شود

(۲) ممکن است در دادگاه محکوم به جبران خسارت گردد

(۳) فقط از وجه مورد مطالبه محروم می‌شود

(۴) به مجازات ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شود

۱۵- در مورد براءت ذمه شخص حقیقی ورشکسته، کدام عبارت صحیح است؟ (وکالت ۹۱)

(۱) حکم اعاده اعتبار موجب براءت ذمه از مانده دیون است.

(۲) ختم عملیات تصفیه امور ورشکسته موجب براءت ذمه از مانده دیون نیست.

(۳) فقط حکم اعاده اعتبار حقی موجب براءت ذمه از مانده دیون است.

(۴) ختم عملیات تصفیه یا حکم اعاده اعتبار موجب براءت ذمه از مانده دیون نیست.

۱۶- در مورد ترتیب تقسیم اموال ورشکسته در تصفیه اختصاری، کدام گزینه صحیح است؟

(وکالت ۹۲)

(۱) ممتازها - طلبکاران عادی - موثق ها. (۲) ممتازها - موثق ها - طلبکاران عادی.

(۳) موثق ها - ممتازها - طلبکاران عادی. (۴) موثق ها - طلبکاران عادی - ممتازها.

۱۷- کدام بیان صحیح می‌باشد؟ (وکالت ۸۹)

(۱) اداره تصفیه می‌تواند به حساب تاجر از بانکها و مؤسسات اعتباری وام اخذ نماید.

(۲) اداره تصفیه به هیچ وجه حق دریافت وام به حساب تاجر از بانکها و مؤسسات اعتباری را ندارد.

۳) اداره تصفیه فقط می‌تواند به حساب تاجر وام بدون بهره از بانکها و مؤسسات اعتباری اخذ نماید.
 ۴) اداره تصفیه بعد از صدور حکم ورشکستگی فقط حق دریافت مطالبات تاجر و پرداخت و تصفیه بدهیهای تاجر را دارد.

۱۸- طلبکار تاجر ورشکسته که یکی از اموال تاجر را توقیف نموده است نسبت به مال توقیف شده بر سایر طلبکاران: (آزاد ۸۹)

۱) حق تقدم دارد.

۲) حق تقدم ندارد.

۳) اگر بعد از توقف تاجر، مالی را توقیف کرده باشد حق تقدم ندارد.

۴) اگر طلبکار، یکی از طلبکاران ممتاز باشد حق تقدم دارد.

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
۱	۳	۱۰	۲
۲	۱	۱۱	۱
۳	۳	۱۲	۳
۴	۴	۱۳	۱
۵	۴	۱۴	۴
۶	۱	۱۵	۴
۷	۴	۱۶	۳
۸	۴	۱۷	۱
۹	۴	۱۸	۲